

# نقد و بررسی گرایش دینی جوانان

« حسین پناهی (\*) »

## مقدمه :

مباحث فلسفه‌ی دین و کلام جدید از جمله مباحث بسیار جدید و جدی در عصر حاضر می‌باشد و بخصوص صحبت از دین برای نسل جوان جایگاه والایی پیدا کرده است. مدت‌هاست بحث از دین و دینداری جوانان و چگونگی انتقال ارزش‌های فرهنگی به نسل آینده در خاطره‌ها زنده گشته و افکار در تپش و اضطراب است که آیا وضع دینی جامعه‌ی جوان در نهایت به کجا می‌انجامد؟ در کدام قسمت از امور دینی افت و در کدام قسمت رشد وجود داشته است؟ جهت رفع نقایص احتمالی در کدام جهت باید اقداماتی صورت گرفته و یا امکاناتی ذخیره گردد؟

در این مقاله سعی بر آن داشته‌ایم، با استفاده از مقدمه‌ای که در فلسفه‌ی دین مطرح است به نقد و بررسی این مسأله پرداخته و ضمن تبیین جایگاه معلم در این راستا راه‌کارهایی را نتیجه‌گیری نماییم.

البته ناگفته نماند همان‌گونه که از موضوع این مقال روشن است، در این بحث بر آن نیستیم علل و عوامل افت دینی را بررسی کنیم که آن خود موضوع دیگری است و مجال دیگری را طلب می‌کند بلکه درصدد هستیم چشم‌اندازی به خود بحث افت دینی داشته باشیم که آیا اصلاً افتی وجود داشته یا نه؟ و اگر افتی وجود داشته است از چه جهت و جنبه‌ای است؟ لذا این بحث به‌عنوان مدخل و پیش درآمدی بر بحث علل و عوامل افت دینی خواهد بود.

## ابعاد و جنبه‌های مختلف دین

۱- بعد عقیدتی: دین ابعاد و جنبه‌های مختلف دارد (۱) یکی از ابعاد دین بعد عقیدتی است. در بعد عقیدتی دین، بحث‌هایی پیرامون ذات و صفات و افعال خداوند صورت می‌گیرد. بحث‌هایی در رابطه با انسان و جهان و خدا که به آن‌ها اصول اعتقادات گویند. این مسائل شرط لازم برای ورود به هر دینی به‌شمار می‌آید، اگر چه شرط کافی نباشد.

۲- بعد اخلاقی و عاطفی: از جمله ابعاد دین، بعد اخلاقی و عاطفی هر دینی است. در این بعد از مجموعه قواعدی بحث می‌شود که متدین با به‌کار بستن آن‌ها دارای یک نوع احساس و عاطفه می‌شود که به آن تجربه‌ی دینی گویند و آن هم خود یک بعد دیگر از ابعاد دین است.

۳- بعد تجربی: مجموعه عواملی است که انسان را به‌طرف دین رهنمون می‌کند و یا تحول درونی است که پس از پذیرش دین پیدا می‌شود.

اگر چه مفهوم تجربه‌ی دینی از جهات گوناگون بحث‌انگیز بوده است، در اصل وجود چنین تجربه‌هایی اتفاق نظر نسبی وجود دارد. تجربه‌های دینی اختصاص به دین خاصی ندارد بلکه در میان پیروان ادیان مختلف، از مسلمانان، مسیحیان و یهودیان گرفته تا هندوان و بوداییان و ... در اشکال متنوعی مشاهده می‌شود. گاه این تجربه‌ها، تجربه‌های دینداری‌اند، مانند آن که شخص صورت افراد مقدس، مثلاً پیامبران و قدیسان را مشاهده می‌کند. گاه نیز به‌صورت رؤیایها و ندهای غیبی و یا مکاشفات عرفانی‌اند. (۲)

احساس حضور در پیشگاه الهی، شنیدن تسبیح موجودات، احساس حیرت یا خشیت نیز از جمله تجربه‌های دینی به‌شمار می‌رود.

۴- بعد اسطوره‌ای دین: یعنی آن داستان‌هایی که رنگ دینی دارد. غرض از این اسطوره‌ها، افسانه نیست. فقط افزایش اطلاعات هم نیست بلکه بیشتر جنبه‌های تربیتی و اخلاقی آن‌ها مطرح‌اند.

## دقت نظر در تعاریف دین و دینداری

اکنون با توجه به این مقدمه خاطر نشان می‌سازیم، بسته به این

\* کارشناس ارشد فلسفه و کلام و دبیر دبیرستان‌های پیربرکران

۱- به فصل دوم درآمدی بر فلسفه‌ی دین و کلام جدید نوشته‌ی ابوالقاسم فتائی، رجوع شود.  
۲- محمد سعیدی مهر و امیر دیوانی، تدوین معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، معارف اسلامی (۱)، قم: معارف، ۱۳۷۹، صفحه‌ی ۴۴ (با اندکی دخل و تصرف)



توبه

شماره ۱۴

تابستان

۱۳۸۱

۱۸

صورتی که هر دو می‌توانند دین‌دار بوده و در سلک متدینان به‌شمار آیند.

بهر حال چنانچه اندکی پیش گفته شد توجه به هرکدام از جنبه‌های دین در تعریف ما از دین و دینداری تأثیر بسزایی داشته و توجه به بعد شخصیتی و روانی افراد نیز در این راستا مهم جلوه می‌کند. طبق بحث پیش گفته در نظر آن دسته از افرادی که به بعد اسطوره‌ای و تعبیدی دین توجه دارند. تعمق و تفکر زیاد در بعد عقیدتی دین شاید چیزی جز بی‌دینی به‌شمار نیاید. چنانکه اشاعره تعمق در مسائل الهی را صحیح ندانسته و آن را بدعت در دین پنداشته‌اند و بالعکس اشخاصی که به بعد عقیدتی دین توجه شایانی مبذول داشته‌اند شاید توجه به بعد اسطوره‌ای دین را که مستلزم تقویت جنبه‌ی تصدی دین است، صحیح پندارند، در صورتی که هر دو دسته می‌توانند متدین و دیندار به‌شمار آیند، لذا چنانکه ملاحظه می‌کنید نحوه‌ی روی‌کردشان به دین متفاوت است. این اختلاف نظر در اسناد یا عدم اسناد دینداری به افراد ناشی از روی‌کردهای متفاوت آنان به دین است و توجه به این مسأله یعنی روی‌کردهای مختلف به دین در بحث ارزیابی افت دینی، سهم بسزایی دارد زیرا در ارزیابی افت دینی نسبت به گذشته، توجه به این نکته بسیار مهم است که ما باید یک روی‌کرد در گذشته و حال را بررسی نموده و افت یا عدم افت را نتیجه‌گیری نماییم. نمی‌توان از دو روی‌کرد متفاوت به دین در گذشته و حال، افت یا رشد دینی را نتیجه گرفت. افت در جایی معنا پیدا می‌کند که ما به ارزیابی دو چیز از یک سنخ بپردازیم. یعنی دو چیز که در یک صفت مشترک‌اند.

۱- محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، تهران: سازمان تبلیغات

اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۲۸

۲- ابوالقاسم فنایی، درآمدی بر فلسفه‌ی دین و کلام جدید، قم:

اشراق، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰.

۳- محمدتقی فعال، درآمدی بر معرفت‌شناسی معاصر و دینی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۰.

۴- البته ناگفته نماند که در این‌جا صحبت از ادیان مختلف و اعتقاد به آن منظور نیست، ما یک دین حقیقی بیشتر نداریم که در آن توجه به تمام ابعاد مطرح است. پیامبران نیز توجه به همه ابعاد دین داشته‌اند. دین حقیقی و اصیل توجه به تمام ابعاد را انتظار دارد فعلاً در صدد تجزیه و تحلیل نمودن زوایای مختلف بحث هستیم.

۵- محمد پارسا، زمینه‌ی روانشناسی (روان‌شناسی عمومی)، بعثت، ۱۳۶۵، ص ۲۰۷.

۶- از بحث‌های استاد مصطفی ملکیان پیرامون حکومت دینی (با اندکی تلخیص و تصرف).

که به‌کدام‌یک از این ابعاد توجه و دقت بیشتری داشته باشیم و کدام‌یک از ابعاد را پذیرا شویم، تعریفمان از دین و دینداری تفاوت پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، نحوه‌ی تعریف ما از دین و دینداری بستگی زیادی به توجه ما به هرکدام از این ابعاد دارد و لذا است که می‌بینیم تعاریف دین متفاوت جلوه می‌کند. شخصی که بیشتر به جنبه‌ی عقیدتی دین توجه دارد مسلماً تعریفی که از دین ارائه می‌دهد، تعریفی عقلانی خواهد بود. مثل این‌که در تعریف دین، آن را اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و دستورات عملی متناسب با آن عقاید بدانیم<sup>(۱)</sup> و یا این‌که بگوییم دین پاسخ انسان است به ندای الهی<sup>(۲)</sup> و فردی که بیشتر به جنبه‌ی اخلاقی و عاطفی دین توجه داشته باشد، تعریفی متناسب با آن بعد از دین ارائه خواهد داد. هم‌چنان که شلایر ماکر فیلسوف آلمانی (۱۸۳۴-۱۷۶۸) دین را احساس وابستگی یا احساس اتکای مطلق می‌داند.<sup>(۳)</sup> توجه به این ابعاد نه تنها در تعریف ما از دین دخالت دارد، بلکه در تعریف ما از دینداری نیز نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. خصوصاً اگر این مسأله را از بعد شخصیتی و روانی که در روان‌شناسی مطرح است نیز مورد توجه قرار دهیم<sup>(۴)</sup>. یکی از تقسیم‌هایی که در باب تیپ‌های شخصیتی در روان‌شناسی مطرح است این است که افراد از نظر روحی و روانی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- افراد برون‌گرا ۲- افراد درون‌گرا<sup>(۵)</sup>. افراد برون‌گرا شخصیت‌هایی هستند که معمولاً در هر موقعیتی واکنش‌های مثبت از خود نشان می‌دهند. به فعالیت‌های اجتماعی گرایش داشته و از گوشه‌گیری و انزوا چندان راضی نیستند و افراد درون‌گرا شخصیت‌هایی هستند که بیشتر به گوشه‌گیری و انزوا خود را مشغول می‌دارند، کمتر در اجتماعات شرکت کرده و به فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازند.

دینداری از دیدگاه دسته‌ی اول بیشتر در تعبیری هم‌چون همسایه‌داری، خیرخواهی، بهبود بخشیدن به حال مردم و خدمت به خلق بیان می‌گردد. آنان عبادت را چیزی جز خدمت خلق نمی‌دانند. دینداری از دیدگاه دسته‌ی دوم به تعبیری هم‌چون مناجات، دعا، مراقبه، محاسبه‌ی نفس و ریاضت و عرفان درمی‌آید و مسلماً دیندار طبق این دیدگاه شخصی خواهد بود که جزو خلوتیان اهل راز باشند<sup>(۶)</sup>.

بنابراین طبق نظر گروه اول در خدمت خلق نبودن بی‌دینی به‌شمار می‌آید و طبق دیدگاه دوم نپرداختن به محاسبه‌ی نفس و جزو خلوتیان اهل راز نبودن بی‌دینی محسوب خواهد شد در

همچنان که در ادبیات مختلف هم چون فارسی، عربی و انگلیسی، این بحث مطرح است که صفت تفضیلی «تر» در حالتی معنا پیدا می‌کند که دو چیز در یک یا چند صفت مشترک باشند و آن وقت به‌ارزیابی آن دو شیء در آن یک صفت یا در چند صفت بپردازیم. مثلاً در مورد دو فرد که هر دو عالم‌اند، اما یکی عالم‌تر، خواهیم گفت فلان شخص عالم‌تر است، یا چنان‌که در مورد هر دو نفری که زیبا باشند و یکی زیباتر، جمله‌ی فلان شخص زیباتر است صدق می‌نماید، والا با مقایسه‌ی دو جاهل با انسان و سنگ، صفت تفضیلی «تر» معنا و مفهوم نخواهد داشت. طبق این معیار، زمانی می‌توانیم از افت یا رشد سخن برانیم که یک روی‌کرد به‌دین را در گذشته و حال مورد بررسی قرار داده یا روی‌کردهای مختلف در قبل و بعد را باهم مقایسه نموده و نتیجه‌گیری کنیم. لذا اگر روی‌کرد جدید به‌دین، غیر از روی‌کرد قدیم به‌دین بوده باشد. مقایسه بین آن‌ها و این که افت و یا رشدی در کار بوده است صحیح به‌نظر نمی‌رسد. عدم توجه باین نکته باعث می‌شود که ما افت دینی را بیش از آن‌چه که هست و غیرمنتظره بدانیم. البته جلب توجه خواننده‌ی مقاله به‌این مطلب شایسته و بایسته است که با طرح این بحث نمی‌خواهیم تأیید و تأکید کنیم که در این زمان افت دینی وجود ندارد، نه، بلکه می‌خواهیم خاطرنشان سازیم که همه را به‌حساب افت نمی‌توان گذاشت. بلکه یک قسمت از احساس ما در باره‌ی افت، ناشی از عدم توجه به‌مقایسه‌ی بین روی‌کردهای مشابه به‌دین، در گذشته و حال است.

## نمونه‌ی روی‌کردهای افراد به‌دین در گذشته و عصر جدید

اکنون سؤالی که در این راستا ذهن هر اندیشمندی را به‌خود جلب می‌کند این است که آیا روی‌کرد افراد به‌دین در گذشته و حال متفاوت است؟

آن‌چه مسلم است این است که روی‌کرد مردم به‌دین در قبل، بیشتر به‌صورت تعبدی (عاطفی و اخلاقی) بوده است. یعنی افراد، بیشتر به‌بعد اسطوره‌ای دین توجه داشته‌اند و آن‌چه در عصر کنونی بیشتر مورد توجه بوده است توجه به‌بعد عقیدتی و عقلانی دین است.

در گذشته، به شخص تعلیم می‌دادند که نیم‌خورده‌ی مؤمن شفاست و یا با دست غذا خوردن ثواب دارد. یک شخص متدین تا

حدودی بدون چون و چرا آن تعلیمات را می‌پذیرفت (که البته فعلاً در صد نفی یا اثبات این امور نیستیم فقط می‌خواهیم اشاره به‌نمونه‌ای از روی‌کردها داشته باشیم) اما در عصر کنونی شخصی که از دیدگاه علوم تجربی هم‌چون پزشکی، بهداشت و ... به‌این مسائل می‌نگرد چاره‌ای جز این ندارد که تجدید نظری در آن تعلیمات دینی یا در این تعلیمات پزشکی داشته باشد.

البته نگارنده‌ی این سطور باید متذکر گردد که با این بحث نمی‌خواهیم اعتقاد داشته باشیم که همیشه، مسائل علمی با مسائل دینی در تضاد می‌افتد چه اولاً این صحیح نیست که ما درصدد باشیم همیشه مسائل علمی را با مسائل دینی تطبیق دهیم (یا بالعکس) و ثانیاً این‌گونه نیست که همیشه دیدگاه‌های علمی با دیدگاه‌های دینی در تضاد افتد. اتفاقاً بعضی مواقع، آزمایش‌ها و قوانین علمی به‌تأیید و حمایت مسائل دینی می‌آیند و علما بدین طریق، بیشتر به‌اثبات مسائل دینی نزدیک شده و در این زمینه به‌دلایل علمی و قطعی دست می‌یازند که توضیح بیشتر و اشاره به‌آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد.

به‌هر حال، یک جوان با روی‌کرد عقلانی به‌دین، با سؤال‌های بسیار زیادی مواجه خواهد شد که این نمونه کنکاش‌ها را به‌حساب بی‌دینی و کم‌رنگ شدن دینداری یا افت دینی او نمی‌توان گذاشت. هم‌چنان که شخصی که روی‌کرد عقلی به‌دین پیدا کرده است، شاید به‌طرز لباس پوشیدن خویش توجه چندانی نداشته باشد اگر چه این مورد، از طرف دیگر متدینان به‌حساب عدم آگاهی او از مسائل اخلاقی و عاطفی دین گذاشته خواهد شد. شخصی که در وادی عقل و علم گام می‌نهد و به‌تفکر عقلانی در علم و دین می‌پردازد ناخودآگاه و غیرمنتظره بدین سمت و سو کشیده می‌شود که به تطبیق مسائلی علمی با گزاره‌های دینی بپردازند. اگر معروف است که در روان‌شناسی رنگ‌ها، رنگ زرد نشانه‌ی تنفر و انزجار است، اما همین فرد در قرآن کریم در داستان گاو بنی‌اسرائیل جهت یافتن قاتل منظور، می‌خواند: «... بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرین...» (۱)

بگفتا که زرین بود رنگ آن

(۲) که بینندگان را نشیند به‌جان

اگر امروزه، اکثر بر این اعتقادند که قصاص موجب افزایش جرم و قتل است، در قرآن به‌این نتیجه می‌رسد که «ولکم فی القصاص

۱- قرآن کریم سوره‌ی بقره آیه ۶۹.

۲- ترجمه‌ی قرآن به‌صورت نظم توسط آقای امید مجد.

یک جوان امروزی با مطالعه‌ی بحث‌های زیست‌شناسی و مسأله تکامل انواع داروین یا مسأله‌ی شبیه‌سازی که جدیداً مطرح است چاره‌ای جز این ندارد که گریزی نیز به مسائل دینی و آیات مربوط بزند. لذا می‌بینیم که هر مسأله‌ی علمی استعداد تبدیل شدن به یک معضل کلامی را داراست.

با همه‌ی این توضیحات می‌خواهم برای نکتۀ تأکید و رزم که جامعه‌ی فعلی ما بین دو روی‌کرد قبلی و جدید به‌دین قرار گرفته است. روی‌کرد قبلی، بیشتر جنبه‌ی عاطفی و اخلاقی و تبعیدی داشته است و روی‌کرد فعلی به‌دین، بیشتر به‌صورت عقلی و علمی است. در این راستا، در گذر از روی‌کرد قبلی به‌روی‌کرد جدید (و عقلی)، هستند افرادی که از روی‌کرد قبلی به‌کلی جدا شده و به روی‌کرد جدید نیز نپیوسته‌اند. یعنی در خلأیی قرار گرفته‌اند که تعبیر بی‌دینی از آن می‌توان کرد، اما بی‌خطر نیز نمی‌تواند بود. بلکه می‌توان گفت در موقعیتی خطرناک واقع شده‌اند که می‌تواند منجر به بی‌دینی شود و آن وقتی است که آن افراد، و خصوصاً جوانان در این خلاء بمانند که این وادی پوچ‌گرایی یا نیهیلیستی است، و یا این که حرکت از روی‌کرد قبلی به‌روی‌کرد جدید، بدون معلم و راهنما باشد که در آن وقت یا حرکتی صورت نخواهد گرفت و یا به‌بیراهه کشیده خواهد شد.

نگارنده بر این اعتقاد است و چنین احساس می‌کند که از دانش‌آموز گرفته تا دانشجو، معلم و حتی بعضی از علماء در این خلاء توقفی داشته‌اند. توقف دانش‌آموز در این خلاء، به‌صورت بی‌انگیزه بودن نسبت به‌نماز و برپا داشتن آن، و دیگر مسائل دینی جلوه کرده است. توقف دانشجو به‌صورت اغتشاشات فکری و عدم انتظام‌بخشی و انسجام به‌تفکرات و سؤالات ذهنی خویش و توقف بعضی علما در نهایت، به‌صورت گرایش به‌مشرب پوزیتیویستی است. در این میان آن‌چه می‌خواهد به‌گذر از روی‌کرد قبلی به‌روی‌کرد جدید به‌نحو صحیح کمک کند، گویا تغییر کتاب‌های معارف اسلامی در سطوح مختلف است.

## پیش‌نهاد:

به‌نظر می‌رسد در هدایت صحیح این حرکت، باید از دین‌داران دین‌شناس استفاده کرد. دین‌شناسان که قدرت تجزیه و تحلیل

مسائل الهی را دارا باشند تا بتوانند اسلام را با توجه به‌مقتضیات زمان به‌مردم تعلیم دهند و افراد را از این خلاء برهانند. افرادی که در زمینه‌ی «احتیاط در دین» دچار افراط و تفریط نشوند.

افراط در «احتیاط در دین» انسان را به‌جمود می‌کشاند، زیرا افراط در این زمینه، سد تطبیق مسائل دینی و الهی با مقتضیات زمان است و تفریط در «احتیاط در دین» نیز می‌تواند انسان را به‌سوی بی‌دینی سوق داده و از جرگه‌ی متدینان بیرون برد.

لذا این کار بزرگی است که نگارنده معتقد است با اهتمام به‌مسائل دینی و توجه به‌معلمان دیندار انجام خواهد گرفت. رهایی یافتن مردم از این خلأ و هدایت صحیح آنان به‌روی‌کرد عقلی، بدون این‌که از روی‌کرد تبعیدی و قبلی نسبت به‌دین، دست کشیده شود، کار صنعت‌گران و کشاورزان و تجار نیست. این کار مهمی است که از عهده‌ی دو قشر دیندار و دو نهاد مقدس برمی‌آید. یکی آموزش و پرورش و دیگر حوزه‌های علمیه.

در این راستا آن‌که نقش محوری را در این زمینه ایفا می‌کند، به‌جرات می‌توان گفت آموزش و پرورش خواهد بود، زیرا حوزه‌های علمیه در تربیت افراد کارآمد و نیروهای متخصص دینی، از تولیدات آموزش و پرورش مصرف می‌کند.

جایی که شخص، خواندن و نوشتن می‌آموزد تا لفظ دین و دینداری را به‌نگارش در آورده و سپس بدان اعتقاد پیدا کند آموزش و پرورش است. آن مکانی که دانش‌آموزان را به‌سوی حوزه‌های علمیه سوق می‌دهد و آن‌ها را نسبت به‌آن علاقه‌مند و یا بی‌علاقه می‌کند. آموزش و پرورش است. معلمان در استقبال و هدایت افراد، جهت تحصیل در مراکز علوم دینی (چه در دوره‌ی راهنمایی یا متوسطه) سهم بسزایی دارند.

بنابراین نقطه‌ی شروع رهایی و نجات افراد از خلاء پیش‌گفته، آموزش و پرورش خواهد بود اگرچه می‌دانیم که بعد از طی این مرحله، در تکمیل این امر، حوزه‌ها نقش اصلی و کارآمد را ایفا خواهند کرد. آیا این نقش و جایگاه معلم، در تربیت دینی افراد جامعه ارزش آن را دارد که به‌ساختار و نظام آموزش و پرورش و وضع فعلی معلمان آن، توجهی درخور و شایسته گردد؟

## توجه به‌دو مشکل بزرگ:

# اصفهان

## خاقانی شروانی

نکته حور است یا هوای صفاهان؟  
جبهت جوز است یا لقای صفاهان؟  
دولت و ملت دوگانه زاد چو جوزا،  
مادر بخت یگانه‌زای صفاهان  
چون زر جوزایی، اختران سپهرند  
سخته، به‌میزان ازکیای صفاهان  
بلکه ز جوزا جناب برد، به‌رفعت،  
خاک جناب ارم‌نمای صفاهان  
بلکه چو میزان دو میوه‌اند جنابه،  
عرش و جناب جهانگشای صفاهان  
بلکه تن عرش بالشی است مربع،  
تکیه‌گه دست کبریای صفاهان  
ز آن، نفس استوئی زنند علی‌العرش  
کز بر عرش آمد استوای صفاهان  
خاک صفاهان نهال‌پرور سدره است  
سدره توحید منتهای صفاهان  
دیده خورشید چشم درد همی داشت  
از حسد خاک سرمه‌زای صفاهان  
لاجرم، آنک، برای دیده خورشید،  
دست مسیح است سرمه‌سای صفاهان  
چرخ نبینی که هست هاون سرمه،  
رنگ گرفته، ز سرمه‌های صفاهان  
نور نخستین شناس و صور پسین دان،  
روح و جسد را، به‌هم، هوای صفاهان  
یَزْحَمُکَ اللهُ زِدَ آسْمَانِ؛ که دم صبح،  
عطسه مشکین زد از صبای صفاهان  
دست خضر چون نیافت چشمه دوباره،  
کرد تیمم به‌خاک پای صفاهان  
چاه صفاهان میدان نشیمن دجال  
مهبط مهدی شَمَرِ فَنَائِ صفاهان  
چتر سیاه است خال چهره ملکت  
ز آن سیاهی خال دان ضیای صفاهان

در این زمان دو مشکل بزرگ در این زمینه وجود دارد که باید به‌رفع آن مبادرت ورزیم :

۱- این‌که افراد از روی‌کرد تبعیدی به‌دین به‌کلی جدا شده و به‌روی‌کرد عقلی نیز توجهی نداشته باشند و در یک خلاء مابین روی‌کرد تبعیدی و عقلی به‌دین بمانند، یعنی نه روی‌کرد قبلی به‌دین را داشته باشند و نه روی‌کرد عقلی و جدید را، این همان وادی نیهیلیستی و پوچ‌گرایی است .

۲- این‌که افراد از روی‌کرد تبعیدی به‌دین به‌کلی جدا شده و فقط روی‌کرد عقلی و علمی به‌دین داشته باشند. این مرحله نیز سقوط در وادی پوزیتیویستی است و چه بسا بسیاری از مسائل است که در ابتدای امر با دیده‌ی عقل نتوان به‌اثبات آن‌ها دست یازید .

## نتیجه :

در نقد و بررسی افت دینی به‌این نتیجه می‌رسیم که توجه به‌روی‌کردها ، نقش بسیار مهمی در این زمینه داراست. از نظر روی‌کرد تبعیدی به‌دین، نسبت به‌قبل افت وجود داشته اما از نظر عقلی نسبت به‌قبل رشد وجود داشته است .

البته باید توجه داشت که لازمی رشد، جدا شدن از روی‌کرد قبلی با روی‌کرد تبعیدی به‌دین، نیست. شخص می‌تواند با حفظ روی‌کرد تبعیدی خویش به‌دین، روی‌کرد عقلی را نیز پذیرا باشد. زیرا تعبد در همه جا منقور نیست. ما در بسیاری از مسائل هم‌چون طرز لباس پوشیدن، نام بردن پایتخت کشورها، آشپزی و یا بعضی از مسائل علمی هم‌چون زمین به‌دور خورشید می‌گردد، یا این‌که فلان دارو چگونه باید مصرف گردد، به‌دور از تعبد نیستیم، اگر چه باید سعی بر آن داشته باشیم که از یک نوع خردورزی در تعبد برخوردار بوده و تعبد خویش را بر مسائل عقلی مبتنی سازیم .

## منابع :

- قرآن کریم  
- پارسا، محمد ، زمینه‌ی روان‌شناسی (روان‌شناسی عمومی) تهران: بعثت ، ۱۳۷۲ .  
- سعیدی مهر، محمد، دیوانی، امیر، معارف (۱)، تدوین معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، قم: معارف، ۱۳۷۹.  
- فعالی، محمدتقی، درآمدی بر معرفت‌شناسی دینی معاصر، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۷ .  
- فنائی، ابوالقاسم، درآمدی بر فلسفه‌ی دین و کلام جدید، قم: اشراق، ۱۳۷۵.  
- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ .



شماره ۱۴  
تابستان  
۱۳۸۱

۱۳۸۱

